

تحولات اجتماعی زنان در روزنامه‌های ایرانی از آغاز تا پایان مشروطه دوم

حسن حضرتی^۱

افسانه روشن^۲

چکیده:

پژوهش حاضر به تحولات فرهنگی و اجتماعی زنان ملل مختلف اختصاص دارد و اساس آن بر مطبوعات ایرانی از آغاز انتشارشان در دوره قاجار تا پایان مشروطه دوم یعنی ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۹ق. قرار گرفته است. انعکاس مطالب از زنان سایر ملل در روزنامه‌ها و چگونگی آن، در سه مرحله بنابر ویژگی‌هایی خاص قابل تفکیک است. مرحله اول روزنامه‌های دولتی داخلی را دربردارد؛ مرحله دوم با انتشار روزنامه‌های برون‌مرزی آغاز شده که با وقوع انقلاب مشروطه به پایان می‌رسد و مرحله سوم از انقلاب مشروطه تا پایان مشروطه دوم را دربردارد. مسأله پژوهش حاضر آنست که در مراحل مذکور انعکاس اخبار زنان سایر ملل در روزنامه‌های فارسی‌زبان چه سیری را طی نموده و چه تحولاتی به خود دیده است؟ همچنین مطبوعات چه هدفی از طرح آن مطالب دنبال می‌کردند و ذهنیت زن ایرانی چگونه از آن تأثیر پذیرفت؟ در بازه زمانی مورد نظر، طرح مسائل زنان سایر ملل از گونه اخباری در مرحله اول به وجهی تحلیلی در مراحل بعدی پیش رفته است. در هر مرحله نه تنها کمیت اخبار نسبت به مرحله قبل افزایش یافته، بلکه موضوعات مطرح شده نیز تفاوت‌هایی اساسی پیدا کرده و مباحثی جدی‌تر از مسائل زنان مطرح شده است. در مراحل دوم و سوم است که زن ایرانی با زنان سایر ملل مقایسه شده و حیات فرهنگی و اجتماعی‌اش از آنها خصوصاً از زن اروپایی تأثیر پذیرفته است.

واژه‌های کلیدی: زنان، تحولات اجتماعی، روزنامه‌های فارسی‌زبان، ایران، اسلام، اروپا، دوره قاجار، مشروطه.

مقدمه

از دوره قاجار ارتباط جامعه ایرانی با دیگر جوامع، وجهه‌ای فرهنگی نیز یافت که به‌تدریج ایرانیان را با پرسش‌هایی جدی درباره وضعیت خودشان روبرو نمود. این امر در ابعاد اجتماعی و فرهنگی برای جامعه ایرانی

^۱ - استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران hazrati@ut.ac.ir

^۲ - کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران afsaneh.roshan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۲۵

تاریخ تایید: ۱۳۹۰/۱۰/۱۲

رخ داد که پیش‌زمینه‌ای برای تغییر و تحولات عمده سیاسی شد. در چنین شرایطی وضعیت زنان نیز می‌توانست از تحولاتی که در جوامع آن روزگار در جریان بود، تأثیر پذیرد و دست‌کم در مقایسه با زنان سایر ملل به چالش کشیده شود. برای آگاهی از این امر، پژوهش در آنچه از زنان سایر ملل برای ایرانیان مطرح شد، ضروری است. در میان منابع دوره قاجار، بهترین و جامع‌ترین منبع جهت انجام چنین پژوهشی، روزنامه‌های آن دوره هستند. چرا که از سویی به جوانب گسترده‌تری از ابعاد فرهنگی و اجتماعی ملل مختلف توجه نشان داده و از سوی دیگر با استقبال قابل‌توجهی مواجه شده و با طرح اخبار و مسائل زنان سایر ملل علاوه بر کارکرد روایت‌گری، می‌توانست نقش تأثیرگذاری در وضعیت زنان ایرانی بر عهده بگیرد. اساس پژوهش حاضر بر یازده روزنامه از مهمترین روزنامه‌های دوره زمانی مورد نظر قرار گرفته است. این اهمیت بنابر مدت زمان طولانی انتشار و تیراژ بالای روزنامه و در نتیجه گستردگی آن در جامعه بوده تا از این طریق بتوان به نتیجه‌ای قابل قبول از روند موضوع پژوهش و تحولاتش دست یافت. لازم به‌ذکر است که داده‌های این مقاله از روزنامه‌های داخلی به روزنامه‌های انتشاریافته در پایتخت روزگار قاجار منحصر شده؛ چرا که از سویی دیدگاه غالب جامعه را به نمایش گذارده و از سوی دیگر بخاطر انتشار منظم، ضعف پراکندگی و عدم دسترسی به مطالب که عمدتاً در روزنامه‌های ولایتی دیده می‌شود را ندارد.

پژوهشی که چگونگی انعکاس مسائل زنان ملل مختلف در روزنامه‌های فارسی‌زبان را نشان دهد، تاکنون انجام نشده است. اما از آنجا که یکی از زمینه‌های مهم آگاهی از تحولاتی که زن ایرانی در دوره قاجار پشت سر نهاد، آگاهی از این امر است که اخبار زنان سایر ملل چگونه مجال طرح یافت و با چه چارچوب و رویکردی مورد توجه قرار گرفت، پژوهش حاضر حائز اهمیت است. البته مقاله حاضر درصدد پرداختن به وضعیت زن ایرانی نیست، بلکه موضوع اصلی آن چگونگی انعکاس مسائل زنان سایر ملل است که می‌تواند مقدمه‌ای برای درک و دریافت بهتر زمینه‌های تغییر حیات فرهنگی و اجتماعی زن ایرانی در دوره قاجار باشد؛ از آن جهت که بر آن تأثیراتی داشت.

نقطه آغاز پژوهش حاضر روزنامه وقایع‌اتفاقیه است که اولین روزنامه ایرانی نیست، اما اولین روزنامه‌ای است که می‌توان نمای فرهنگی و اجتماعی دوره قاجار را به‌واسطه آن ترسیم کرد. چراکه برخلاف کاغذآخبار- اولین روزنامه ایرانی- در دوره زمانی طولانی چاپ شده و شماره‌های متعدد آن در دسترس است. ضمن آنکه ارتباط فرهنگی ایران با سایر ملل به‌ویژه اروپاییان از دوره ناصرالدین‌شاه آغاز شد. از این نقطه آغاز تا پایان مشروطه دوم، می‌توان در پژوهش حاضر، سه مرحله بر اساس تفاوت‌هایشان که از شرایط حاکم بر روزنامه‌ها ناشی می‌شد را در نظر گرفت. که عبارت است از: مرحله اول: از انتشار وقایع/تفاقیه تا انتشار روزنامه‌های برون‌مرزی؛ مرحله دوم: روزنامه‌های برون‌مرزی تا وقوع انقلاب مشروطه و مرحله سوم: از انقلاب مشروطه تا پایان مشروطه دوم. در مرحله اول روزنامه‌های دولتی که رویکرد سنتی داشته و از دربار متأثرند، به انعکاس مسائل زنان توجه چندانی ندارند. در مرحله دوم روزنامه‌های برون‌مرزی با رویکرد نقادانه به حکومت و فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه ضمن توجه بیشتر به مسائل زنان، موضوعات متفاوتی را مطرح می‌کنند. در نهایت در مرحله سوم، استقرار مشروطیت، تأثیر زیادی بر رویکرد روزنامه‌ها برجای نهاد؛ به‌طوری‌که مباحثی جدی‌تر از قبل مطرح شده و حتی زنان ایرانی در آثارشان به تحولات فرهنگی زنان ملل مختلف توجه نشان دادند. پرسش

اساسی این پژوهش آن است که در سه مرحله مذکور، اخبار زنان ملل مختلف و تحولات حیات اجتماعی و فرهنگی‌شان چگونه در مطبوعات فارسی‌زبان انعکاس یافته، در مراحل مختلف چه سیری را طی نموده و چه تحولاتی به خود دیده است؟ همچنین این پرسش اساسی مورد نظر است که مطبوعات چه هدفی از طرح آن مطالب دنبال می‌کردند و ذهنیت زن ایرانی چگونه از آنها تأثیر پذیرفته است؟ بنابراین طی دوره زمانی موردنظر، بر اساس رویکرد کیفی، مطالب زنان ملل مختلف در روزنامه‌های ایرانی و چگونگی آن انعکاس از منظر تاریخ اجتماعی طرح و بر پایه آن، تحلیل نگارندگان ارائه خواهد شد.

۱- از وقایع‌اتفاقیه تا روزنامه‌های برون‌مرزی

مطالب روزنامه‌های مورد بررسی این مرحله که روزنامه‌های دولتی دوره ناصرالدین‌شاه قاجارند، صرفاً خبری بوده که دسته‌ای در تحلیل آنچه که زنان سایر ملل از سر گذراندند، هیچ کاربردی نداشته‌اند، اما دسته‌ای دیگر این قابلیت را داشته و دست‌کم می‌توانند نمایانگر دیدگاه روزنامه‌ها نسبت به زنان باشند.

در ابتدای این مرحله، روزنامه‌ها رویکردی صرفاً سنتی در پیش می‌گیرند و توجه آنها به مسائل زنان سایر ملل، در قالب ارزش‌های ظاهری زن و وظایف و جایگاه وی در خانواده دیده می‌شود. در اخبار زیادی، زیبایی و صورت نیکوی زنان سایر ملل مورد توجه قرار گرفته که نشان می‌دهد این ویژگی در آن روزگار از ارزش‌های مورد انتظار برای زن بوده است. به‌عنوان مثال در خبری آمده است که برخی دخترهای کوهستان مجار، گیاهی به نام زرنیخ می‌خورند تا سرخ‌روی و قربه و زیبا شوند.^۳ وقایع/تفاقیه خبر دیگری دارد که نشان از اوج اهمیت ارزش‌های ظاهری زن دارد: خبر در مورد وصیتی عجیب از یکی از اهالی اروپا است که ثروتش را در بقچه‌ای به صندوق‌خانه دولتی سپرده تا پس از مرگش به زیباترین زن شهر دهند.^۴ زیبایی زن در خبر دیگری درباره یک زن یهودی زیبا که «صباحت و وجاهت معروف و مشهور بود...»، توجه ایران را به خود جلب نموده است.^۵

محور اخبار بسیاری بر عشق و ازدواج، زناشویی و مسائل ناموسی قرار گرفته که نمونه‌ای از آن مربوط به وقایع/تفاقیه است. این روزنامه از تغییر قانونی قدیمی در فرنگستان خبر داده است که در نتیجه آن، مرد می‌توانست اگر عملی قبیح از همسرش سر زد، آن را اثبات نموده و او را طلاق دهد.^۶ چنین مطالبی در روزنامه‌های این مرحله بسیار دیده می‌شود.

^۳ - «احوال متفرقه»، وقایع‌اتفاقیه، شماره ۱۶۳، ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۷۰، ص ۸.

^۴ - «اخبار دول خارجه»، همانجا، شماره ۳۸۲، ۱ شوال ۱۲۷۴، ص ۶. همچنین مشابه این خبر: «مسابقه حسن»، اطلاع، شماره ۲۲۴، ۱۳ جمادی‌الاول ۱۳۰۶، ص ۴.

^۵ - «خارجه»، ایران، شماره ۲۵، ۱۴ جمادی‌الاول ۱۲۸۹، ص ۴.

^۶ - «اخبار دول خارجه»، وقایع‌اتفاقیه، شماره ۳۹۲، ۲۵ ذی‌حجه ۱۲۷۴، ص ۶.

از دیگر ارزش‌های حاکم بر جامعه دوره قاجار درباره زنان، زایمان و برعهده گرفتن نقش مادری بود که باعث می‌شد در انعکاس اخبار اروپا نیز مورد توجه روزنامه‌ها قرار گیرد: زنی در بلجیقا دو طفل به دنیا آورده که یکی از آنها از کمر به پایین ترکیب آدم و از کمر به بالا ترکیب ماهی داشته است.^۷ در اطلاع نیز گزارش چنین زایمان عجیبی آمده است.^۸ همچنین وقایع/تفاهیه درباره زنان چین خبر می‌دهد که بسیار بچه می‌آورند.^۹

البته در کنار این موضوعات، که از سطح فکری و فرهنگی بالایی برخوردار نیست، در اواخر مرحله اول، در روزنامه‌ها به مطالبی با موضوعات کاملاً متفاوت از آنچه ذکر شد، برمی‌خوریم که توجه به دانش‌آموزی زنان سایر ملل و پیشرفتشان در زمینه‌های مختلف از نمونه‌های آن است؛ هرچند که با وجود تغییر موضوعات، رویکرد خبری آنها همچنان باقی مانده است. بیشترین مطالب از چنین موضوعاتی مربوط به روزنامه *ایران* و پس از آن اطلاع است. *ایران* درباره آموزش زنان در مصر، شرح مبسوطی از سه مدرسه‌ای دارد که خدیو آنجا برای تعلیم و تربیت دختران بنا نموده بود.^{۱۰} همین روزنامه عقیده اهالی فرنگ در باب آموزش زنان را، البته بدون هیچ اظهارنظری، مورد توجه قرار داده است: «...این مسئله از بدیهیات اولیه و مسلمیات عقلیه فرنگستان است که علم‌آموزی و هنراندوزی دختران مزید استحسان مجمع انسانیت و زینت مدنیت و سبب تنظیم امور معیشت است...»^{۱۱} در همین زمینه اطلاع مقاله‌ای از جریده عربی *المحروسه* را به چاپ رساند که به لزوم آموزش زنان اشاره دارد.^{۱۲} تنها دو روزنامه اخیر از دیدگاهی که نسبت به آموزش زنان در میان ملل مختلف وجود داشته، خبر می‌دهد. گرچه با توجه به ساختار روزنامه‌های این مرحله، تحلیلی پیرامون این خبر از روزنامه مذکور انتظار نمی‌رود.

به طور کلی روزنامه‌های این دوره عملکرد خوبی در به تصویر کشیدن تحولات زنان سایر ملل ندارند. ضمن آنکه بر جامعه دوره خود تأثیرگذار نبوده‌اند؛ به نظر می‌رسد در این مرحله روزنامه‌ها بیش از آنکه بر وضعیت زنان تأثیر بگذارند، رویکرد آنها به اخبار زنان سایر ملل، متأثر از تصور و جایگاهی بود که جامعه آن زمان برای زن قائل بود.

۲- روزنامه‌های برون‌مرزی؛ از پیدایش تا وقوع مشروطیت

^۷ - «اخبار ممالک خارجه»، دولت‌علیه ایران، شماره ۵۷۸، ۴ رجب ۱۲۸۲، ص ۹.

^۸ - «مختلفه»، اطلاع، شماره ۳۳۰، ۲۷ محرم ۱۳۱۱، ص ۴.

^۹ - «احوال متفرقه»، وقایع اتفاقیه، شماره ۱۵۵، ۱۹ ربیع‌الاول ۱۲۷۰، ص ۷.

^{۱۰} - «اخبار خارجه غیررسمی»، ایران، شماره ۱۸۴، ۱۶ رجب ۱۲۹۰، ص ۲.

^{۱۱} - «اخبار خارجه غیررسمی»، همانجا، شماره ۳۶، ۱۹ جمادی‌الآخر ۱۲۸۸، ص ۳.

^{۱۲} - «اخلاق»، اطلاع، شماره ۳۰۸، ۲۸ محرم ۱۳۱۰، ص ۳.

در این مرحله روزنامه‌ها فارغ از محدودیت روزنامه‌های دولتی به انعکاس تحولات زنان سایر ملل پرداختند که در ایران دیدگاه‌های متفاوتی نسبت بدان ایجاد شد. دسته‌ای از اخبار به لحاظ مغایرت با ارزش‌های اسلامی با واکنش منفی مواجه شده و دسته‌ای دیگر که نشان از ارزش نهادن به جایگاه زن و ایجاد تحول در حیات فرهنگی‌اش بود، با موافقت تجددگرایان روبرو شده که سنت‌ها و جایگاه زن ایرانی را به چالش می‌کشید.

الف) نگاه منفی به تحولات زنان سایر ملل

در مرحله مورد نظر، واکنش منفی به تحول وضعیت زنان، عمدتاً نسبت به زنان اروپا در روزنامه‌های/ختر و *حبل‌المتین* کلکته دیده می‌شود؛ از آن جهت که آن را در مغایرت آشکار با سنت‌ها و اصول اسلام می‌یافتند. در این رویکرد، روزنامه‌ها تناقض دستورات اسلامی با کردار زنان اروپا را به بحث گذارده و به آنچه که در اروپا آزادی اطلاق شده، به چشم تردید و تمسخر نظر انداخته‌اند. *حبل‌المتین* بارها از نتایج آزادی زنان در اروپا مطالبی ذکر کرده؛ نتایجی منفی که جز اقدامات ناشایست و منافی اخلاق نبوده است. مطلبی در *حبل‌المتین* با عنوان *ثمره آزادی زنان* پس از ذکر اعمال نامشروع دختری اروپایی بیان می‌دارد که: «حق این است که مهندبین و دانایان اروپا بمفاسد آزادی زنان پی برده. نفرت از این امر دارند ولی امروزه چاره از دست ایشان هم بیرون رفته است.»^{۱۳} همان روزنامه مطالبی دیگر تحت عنوان *نتیجه آزادی زنان* درج کرده که نتیجه جالب توجهی از آن می‌گیرد: «چشم‌فرنگی‌مآبان ایران روشن باشد.»^{۱۴} ناگفته پیداست که این مطالب به منظور عبرت گرفتن کسانی که خواهان تقلید صرف از دستاوردهای اروپا بودند، ذکر شده تا گوشزد نماید که آزادی مطلق زنان، چنین عواقبی دارد. اختر نیز از خبری مبنی بر قتل سیزده کودک توسط یک زن، عاقبت تلخ برخی دستاوردهای تمدن اروپا را نتیجه گرفته: «می‌توان گفت در تمام ممالک مشرق زمین یعنی در ایران و توران، امثال این جنایت از طایفه نسوان سرزده است. آری درخت مدنیت فرنگستان خیلی از امثال این میوه‌های تلخ را در بار دارد.»^{۱۵}

به نظر می‌رسد در ابتدای آشنایی با مظاهر تمدن غرب هراسی وجود داشته از اینکه این آموزه‌های جدید بر ارزش‌های دینی خللی وارد آورد و همچنین تقابل آن تحولات با سنت‌های کهن منشأ تغییر و تحول در فرهنگ زنان شود. این نگرانی در مقاله‌ای در *حبل‌المتین* کلکته این‌گونه ابراز شده است: «در فرنگستان غم ناموس نیست... بی‌حجابی زنان و آزادی فواحش را پذیرفته‌اند... تربیت‌یافتگان فرنگستان بدان روش خو نموده یعنی عادت کرده‌اند و بر سر آنند که در ایران هم ترویج کنند و بسیار خیال باطلی در پیش گرفته‌اند...»^{۱۶} این نگرانی که در میان سنت‌گرایان جامعه وجود داشت، از سوی مظفرالدین‌شاه نیز به چشم می‌خورد. تقی‌اف تاجر متمول باکویی، زمانی که از او برای ساخت مدارس زنانه در کارخانجات زنان که خود احداث نموده بود، کسب

^{۱۳} - «ثمره آزادی زنان»، *حبل‌المتین* کلکته، سال ۱۰، شماره ۳۰، ۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۱، ص ۱۶.

^{۱۴} - «نتیجه آزادی زنان»، همانجا، سال ۶، شماره ۳۸، ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۱۷، ص ۴۵۶.

^{۱۵} - «زن وحشی»، اختر، سال ۲۳، شماره ۷، هفدهم صفر ۱۳۱۴، ص ۱۰۹.

^{۱۶} - «وسیله نمو و مایه انحطاط دول»، *حبل‌المتین* کلکته، سال ۱۰، شماره ۴۱، ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۱، ص ۱۲.

اجازه کرد؛ چنین پاسخ شنید: «...اما هرچه می‌کنید بکنید لیکن ملاحظه داشته باشید که در مذهب اسلام رخنه پیدا نشود.»^{۱۷} بنابراین مخالفت با تحولات اروپا تا حد زیادی از این جهت بود که از کنار گذاشتن دین و مذهب در اروپا ناشی می‌شد. بنابراین روزنامه‌ها در مقابل آن تحولات موضعی محتاطانه و نگاهی منفی درپیش گرفته‌اند.

چنین اخباری به‌طور کلی نشان از تحول در جایگاه زنان سایر ملل داشت که در رویکرد سنتی، یکی از شیوه‌های مقابله با تأثیر آن تحولات بر زن ایرانی، رجوع به دستورات اسلامی بوده است. بنابراین آنها به هر طریق برتری و پیشرو بودن اسلام را متذکر می‌شدند. حتی اگر بر پاره‌ای از تحولات حیات اجتماعی و فرهنگی زنان اروپا صحه می‌گذازدند، یادآور می‌شدند که در آن مورد از دستورات اسلامی سرمشق گرفته‌اند و چنین ارزش‌هایی پیش از آن در اسلام مورد تأکید و توجه بوده است. /ختر پس از ذکر خبر تصویب قانونی مبنی بر منع و حرمت ساختن و نوشیدن و خریدن و فروختن مسکرات در آمریکا که البته به همت زنان صورت یافته بود، همه انسان‌ها را برای رفاه و سعادت حقیقی ناچار از پذیرش احکام شریعت دانست.^{۱۸} حبل‌المتین نیز پس از ذکر خبری مبنی بر وجود یک‌صد و هفتاد و نه مدرسه زنانه در آمریکا، مطلبش را چنین ادامه داده است: «زنان اگر تعلیم و تربیت نداشته باشند، در شالوده تربیت و تعلیم اطفال خست کج گذارده خواهد شد و صاحب شریعت مطهره اسلام تحصیل علم را بر زن و مرد فرض نموده است، ولی ما مسلمانان عمل نمی‌کنیم و اهل صلیب از سرمشقه‌های ما بهره می‌گیرند.»^{۱۹} رویکرد سنتی اگرچه با تحولات مثبت در حیات فرهنگی زنان اروپا سر سازگاری داشت، اما این به‌دلیل تأکید اسلام بر آن ارزش‌ها بوده است. از شیوه‌های مخالفت رویکرد سنتی روزنامه‌ها با تحولات اروپا آن بود که دین اسلام را مقابل آن تحولات قرار دهند تا خاطر نشان شوند آنچه آنها در تکاپوش هستند، پیش از آن در دین اسلام وجود داشته است. بنابراین شایسته نمی‌دانستند که با وجود چنان پیشینه‌ای به تقلید از اروپاییان روی آورند.

ب) نگاه تحسین‌آمیز به تحولات زنان ملل مختلف

در این روبه از مواجهه با تحول وضعیت زنان سایر ملل، روزنامه‌ها به عنوان ابزار مفید اطلاع‌رسانی ظاهر شدند که مطالب مشروحی از فعالیت‌های مثبت زنان خارجی ارائه می‌دادند. بیشترین مطلب در این مرحله از زنان اروپا بوده و وجه بارز تأثیرپذیری زنان ایران از آنان در امر آموزش است. در رویکرد مثبت به تحولات زنان دیگر ملل، دو گونه مطلب دیده می‌شود: دسته اول که بسیار بیشتر نیز هستند، اخبار تحولات زنان بوده، بدون آنکه اظهارنظر و قضاوتی از سوی روزنامه‌ها صورت پذیرد. اما دسته دوم مطالبی هستند که گرچه رویکرد خبری دارند، اما مدیران جراید را تحت تأثیر قرار داده، به‌طوری که آنها را به اظهارنظر درباره آن اخبار و در موارد زیادی مقایسه زنان ایران و سایر ملل واداشته است.

^{۱۷} - «مدرسه و کارخانه نسوان»، همانجا، شماره ۱۵، ۱۹ شوال ۱۳۲۰، صص ۱۳-۱۴.

^{۱۸} - «جنبش مردانه زنان در امریک»، اختر، سال ۱۹، شماره ۲۲، ص ۵۷۰۷.

^{۱۹} - «اخبارات و تلگرافات خارجه»، حبل‌المتین کلکته، سال ۶، شماره ۳۶، ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۱۷، ص ۴۳۱.

در مطالب دسته اول اخبار پیشرفت زنان ملل مختلف در امر تعلیم و تربیت، بیشترین انعکاس را داشته که از جهت اهمیتی است که به آموزش زنان داده می‌شد. در این میان *حبل‌المتین* مطالب زیادی دارد: «حکومت ژاپون قیمت و اهمیت زنان را منظور داشته و به تعلیم و تربیت ایشان اعتنای فوق‌الحد و نسبت بر آن پروغرمهای مکاتب دختران را تنظیم نموده است».^{۲۰} البته در زمینه آموزش، پیشرفت زنان مسلمان نیز در کانون توجه جراید قرار گرفته است: «از عرصه هفت ماه هفده مدرسه ملتی و دولتی بطرز جدید در تمام ممالک عثمانی افتتاح شده است از آنجمله دو مدرسه‌اش در تعلیم نسوان است».^{۲۱}

به طور کلی مطالب صرفاً خبری از زنان سایر ملل، مربوط به انجام امور خیریه در احداث مدرسه، مریضخانه و سایر عمارات و همچنین فعالیت‌شان در مشاغل مختلف و پیشرفت در کسب علم و دانش‌اندوزی بود که بدون تردید تأثیر خود را بر درک جامعه از وضعیت و جایگاه زنان ایرانی می‌گذاشت.

موضوعات مطالب دسته دوم عمدتاً شامل همان موضوعات مورد توجه در اخبار است، با این تفاوت که درباره‌اش اظهار نظر شده، فعالیت‌های مثبت مورد تحسین قرار گرفته و در پاره‌ای موارد با اعمال زن ایرانی مقایسه شده است. روزنامه *تربیت* پس از ذکر آنکه در روزنامه *آتنه* فرانسه زنی دانشمند مطلبی راجع به ایران نوشته، مطلبش را بسیار به حقیقت نزدیک قلمداد کرده؛ چنانکه گویا شخصاً ایران را سیاحت کرده است. سپس به ستایش وی پرداخته: «...زهی خجسته قومی که زنان آنها از مفاخر زمان‌اند و دارای مآثر و آثار باقیه این دوره و نام نیک جاویدان»^{۲۲} / اختر نیز در پاره‌ای موارد، وقتی از بلنهدمتی زنان سایر ملل سخن می‌گوید، اینگونه بر اقدامات خیرخواهانه آنها مهر تأیید زده و تحسین و ستایش خود را ابراز می‌دارد: «*آفرین باد بدین همت مردانه او*»^{۲۳} همچنین مدیر *حبل‌المتین* در مطلبی که از اقدامات خیرخواهانه مس‌مارستن رئیس هیئت زنانه داعیان دین مسیحی سخن رانده، به تعریف و ستایشش پرداخته و رفتارش را سرمشقی برای مردان شمرده است.^{۲۴}

با توجه به تحسین و ستایشی که جراید، ذیل برخی اخبار، از فعالیت‌های زنان به عمل می‌آورند، نمی‌توان منکر شد که آنها سودای تأثیرپذیری زنان ایرانی از آن تحولات را در سر نداشته‌اند. خصوصاً آنکه در مطالب

^{۲۰} - «ژاپونیا»، *حبل‌المتین* کلکته، سال ۱۳، شماره ۳۴، اربع‌الاول ۱۳۲۴، ص ۱۹.

^{۲۱} - «ترقی تعلیم در مملکت عثمانی»، همانجا، سال ۵، شماره ۴، چهارم رجب ۱۲۹۷، ۱۳۱۵، ص ۴۱. همچنین همان روزنامه مطالبی از پیشرفت آموزش زن در مصر آورده است: «تعلیم نسوان در مصر»، همانجا، سال ۷، شماره ۲۷، ۲۸، محرم ۱۳۱۸، ص ۴.

^{۲۲} - *تربیت*، سال ۴، ش ۱۹۰، ۲۳ صفر ۱۳۱۸، ص ۷۵۸-۹.

^{۲۳} - اختر، سال ۲۰، ۹ ذی‌قعدة ۱۳۱۱، شماره ۴۴، ص ۶۹۶؛ همچنین، «همت مردانه»، همانجا، سال ۲۳، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۳، ش ۱۸، ص ۲۸۳.

^{۲۴} - «زن و همت مردانه»، *حبل‌المتین* کلکته، سال ۳، شماره ۴۱، ۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۴، ص ۸.

زیادی به مقایسه زنان ایرانی با دیگر جوامع پرداخته و تأثیر مثبتی که بر زنان ایران می‌توانستند داشته باشند، را ذکر کرده‌اند. در مطلبی، از دختری اسپانیایی سخن رفته که در بسیاری علوم سرآمد بوده و کتابی در احوال مشاهیر نسوان شرق و آثارشان تألیف کرده بود. مدیر روزنامه، این زن را شایسته تشکر و قدردانی یافته و اظهار امیدواری کرده که: «... از حسن تأثیر این کار عموم زنان شرقیه را سابقه جدید در کسب هنر و معارف پدید آید و هر یک بر سر شوق آمده، از پی تحصیل نام نیک و ذکر جمیل برخیزند.»^{۲۵}

ذکر تحولات اجتماعی و فرهنگی زنان ملل مختلف از سویی امکان مقایسه زن ایرانی با آنها را فراهم می‌کرد و از سوی دیگر مقایسه‌ای چنین نابرابر وضعیت فکری و فرهنگی زن ایرانی را به چالش‌هایی جدی می‌کشاند. حبل‌المتین کلکته پس از ذکر پیشرفت‌های زنان آمریکا، ضمن انتقاد از وضعیت زن ایرانی، ریشه مشکلاتش را عدم آموزش عنوان کرد: «... آن زنهای بعلم و معرفت مسیحی، زنهای ما هم از خوردسالی صنعت روضه‌خوان شاگردی را یاد می‌گیرند، سبب آن علم و صنعت و این ذلت و رذالت چیست؟ ... عقلمان نمی‌رسد که صرف چند باب مکتب دخترانه کنیم تا مانند مادرانشان بی‌هنر و نادان بار نیابند و مایه هزارگونه ذلت فرزندان خود نباشند.»^{۲۶}

رویکرد تحول‌خواهانه زمانی که به مقایسه زنان ایران و دیگر ملل می‌پرداخت، تفاوت عمیق آن دو را در نظر داشت و با تأسف از آن یاد می‌کرد. اختر جهالت زن شرقی را به حدی دانسته که قیاسش با زن اروپایی را نادرست می‌نماید: «زنان مغرب در علوم و فنون نزدیک است مسابقت با مردان کنند. ولی بالعکس زنان مشرق زمین بغیر از چهاردیوار خانهای خودشان از دنیا و مافیها خبر ندارند. حالا جای مقایسه نیست، همین بس که بگوییم جاهل با عالم برابری نتواند نمود.»^{۲۷} از آن منظر، نه تنها مقایسه زنان سایر ملل با زنان شرق، قیاسی نادرست بود که حتی این مقایسه میان آنها با مردان شرق نیز امکان‌پذیر نبود: «گر موازنه نماییم تعلیم زنان پست ترین اقوام فرنگ را به بهترین تعلیم‌یافتگان مردان آسیا باز زنان اروپا را فزونی حاصل خواهد شد.»^{۲۸}

در رویکرد تحول‌خواهانه از آنجا که برخلاف رویکرد سنتی، مقاومت منفی نسبت به تحولات وضعیت زن وجود نداشت، راه تغییر زن ایرانی و پذیرفتن مشکلاتش هموار بود. به نظر می‌رسد در این رویکرد مقایسه با زنان دیگر ملل صورت می‌یافت تا وخامت اوضاع زنان ایرانی نشان داده شود و تأثر جامعه را برانگیخته و به اقدامی سازنده وادارد.

۳- روزنامه‌های فارسی‌زبان؛ از انقلاب مشروطه تا پایان مشروطه دوم

^{۲۵} - اختر، سال ۲۰، شماره ۴، ۲۵ محرم ۱۳۱۱، ص ۵۹.

^{۲۶} - «بقیه صفحه چهارم (تجار محترم)»، حبل‌المتین کلکته، سال ۱۳، شماره ۳۶، ۲۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۴، ص ۲۴.

^{۲۷} - اختر، سال ۲۰، شماره ۳۶، ص ۱۱۵۲.

^{۲۸} - «شوق زنان اروپایی به علوم»، حبل‌المتین کلکته، سال ۹، شماره ۱۶، ۲۳ شوال ۱۳۱۹، ص ۱۲.

ویژگی بارز این مرحله علاوه بر طرح گسترده مسائل زنان و تغییر مقولات مورد توجه، انتشار آثار زیادی از خود زنان در قالب نامه و خطابه در روزنامه‌ها بود. بنابراین مطالب مربوط به این مرحله در دو بخش ارائه می‌شود.

الف) زنان ملل مختلف در آثار مردان ایرانی

در این مرحله، نسبت به مراحل قبل مباحثی جدی‌تر از مسائل زنان سایر ملل مطرح می‌شود. در این مرحله پایانی از دوره زمانی پژوهش حاضر نیز به امر آموزش زنان اروپا توجه شده؛ اما به‌هیچ‌روی به گستردگی دوره قبل در کانون توجه جراید قرار ندارد؛ چراکه در این مرحله آموزش به فصل اساسی حیات زنان ایران تبدیل شده بود. در این زمان اگر هم مطالبی از آموزش ذکر شده، دیگر مربوط به شکل‌گیری نهاد آموزش زنان در اروپا و لزوم دانش‌اندوزی زن ایرانی نبود، بلکه مطالبی پیشرفته‌تر همچون فعالیت‌های آکادمیک زن اروپایی و ورودش به دانشگاه بوده است. در این خصوص تنها/ایران‌نو به ذکر مطالبی پرداخته که نمونه آن در مورد زنان پاریس است. اظهارنظر مدیر روزنامه در این مورد جالب است که موفقیت زنان اروپا را فتح جدید آنها قلمداد کرده و قابل توجه کسانی می‌داند که افکار و عقایدشان بر علیه زن‌هاست.^{۲۹} همین روزنامه خبری از تلاش زنان فرانسه برای انتخاب شدن و عضویت در دانشگاه‌های فرانسه می‌دهد که مادام کوری فیزیکدان مشهور، یکی از آنها بود.^{۳۰} این مطالب نشان از گسترش آموزش عالی در اروپا داشت؛ حتی پاپ نیز با تأسیس مدارس عالی‌ه برای زنان کاتولیک موافقت نمود.^{۳۱}

مسئله دیگری که همچون مرحله قبل اما به‌صورتی جدی‌تر طرح شد، مقایسه زن ایرانی با زنان دیگر ملل بود تا بر او تأثیر بگذارد. *صوراسرافیل* در شماره ۲۶ در ستون چرند و چرند، پس از ذکر اقدامات زنان انگلیسی برای تحصیل حقوق سیاسی خود از قبیل تشکیل انجمن‌ها و تألیف مقالات و کتب متعدد، از زن ملامحمدروضه‌خوان سخن می‌راند که برای رهایی از دست مهمان از سر بجهاش شپشی یافته و در کفش او می‌اندازد «تا چنان اسپند روی آتش از جا بجهد».^{۳۲} واضح است که زن ملامحمدروضه‌خوان می‌تواند نماد زن سنتی ایرانی باشد که در مقایسه با زن اروپایی درک و ذهنیتی سنتی نسبت به امور پیرامون خود داشته و از این لحاظ با زن اروپایی که پیشرفت و تحولی شگرف را از سر می‌گذراند، مقایسه‌اش بی‌نهایت نابرابر می‌نمود. همین موقعیت برتر زن اروپایی وی را در مقامی قرار می‌داد که اخبارش برای عبرت‌گیری زن ایرانی مورد استفاده روزنامه‌ها قرار گیرد. گزارش‌هایی حاکی از تمایل به تأثیرپذیری زن ایرانی از زنان سایر ملل است که در وضعیت

^{۲۹} - «متنوعه: زنان عضو آکادمی»، ایران‌نو، سال ۲، شماره ۴۰، ۴ ذیحجه ۱۳۲۸، ص ۴.

^{۳۰} - «متنوعه: زنها در دارالعلوم»، همانجا، سال ۲، شماره ۷۶، ۲۲ محرم ۱۳۲۹، ص ۴.

^{۳۱} - «ترجمه تلگرافات خارجه»، حبل‌المتین تهران، سال اول، شماره ۳۸، ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵، ص ۴.

^{۳۲} - «چرند و چرند: سال نامه»، صوراسرافیل، سال اول، شماره ۲۶، ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۶، صص ۶ و ۷.

پیشرفته‌تری نسبت به او بودند. میرزاعلی‌آقای مجتهد در انجمن زنان پترسبرگ، اظهار امیدواری کرد که بعد از این زنان ایرانی نیز همچون آن زنان روسی، دور هم جمع شوند و به حال ملل بدبخت دیگر دلسوزی نمایند.^{۳۳}

نکته قابل ذکر آنکه جراید در قالب همان موضوعاتی که در محور توجهشان بود، به تحولات زنان سایر ملل نیز توجه داشتند. درباره زنان چین، *ایران‌نو* اشاره دارد به اینکه بر اثر اختلافات چین و روسیه، زنان چینی که تا آن زمان به مسائل سیاسی و اجتماعی علاقه‌ای نشان نمی‌دادند، به جنبش درآمد و یک حس ملی در آنها ایجاد شده است. به طوریکه شبانه‌روز به دوختن لباس برای سربازان مبادرت ورزیده و حتی آنها را به جنگ تشویق می‌نمایند.^{۳۴} در مورد زنان عثمانی نیز اشاره شده که بعد از اعلان مشروطیت، برای اصلاح و ترقی خود جدأ سعی می‌کنند. آنها قرار گذاشتند که خواهش خودشان را شخصاً با فرستادن نماینده‌ای به سمع سلطان برسانند. آنها «*لایحه اصلاحاتی را که احوال اجتماعی زنان شرق را میتواند تبدیل کند، پیشنهاد سلطان نموده‌اند و دو ساعت و نیم با سلطان در این خصوص کماحقه صحبت کرده‌اند.*»^{۳۵}

اما مسلم است که تأثیرپذیری از تحولاتی که زنان اروپا از سر می‌گذراندند، بسیار بیشتر از سایر ملل بود؛ چرا که بیشترین مطالبی که روزنامه‌ها منعکس کرده‌اند، مربوط به اروپا بوده است. در این مرحله حتی از تلاش زن اروپایی برای کسب برابری با مرد و ورود او به عرصه سیاست، مطالب زیادی در روزنامه‌ها درج شده است. در این مورد روزنامه‌ای که بیشترین جزئیات نقل کرده است، *ایران‌نو* و کشوری که بیش از همه مورد توجه قرار گرفته، انگلستان بوده است. در مورد انگلستان در این روزنامه آمده است که: «...ممالک انگلوساکسون (انگلیسی نژاد) بنهایت درجه طرف دار حقوق نسوان هستند... فعلاً انگلستان حکم مرکز انقلابات حقوق‌خواهانه طبقه انات را پیدا کرده است. دیرزمانی است که زنان انگلیسی به آواز بلند حقوق سیاسی خود و تساوی مطلق جنسین ذکور و انات را مطالبه می‌نمایند. تاکنون نیز در سایه مجاهدات خود بکسب بعضی از حقوق خود نایل آمده...»^{۳۶}

مطالبه حقوق سیاسی زنان اروپایی در اکثر موارد با ایجاد آشوب و اغتشاش همراه بوده که از سوی زنانی که در مطلب فوق نیز با عنوان مهیج سیاسی از آنها نام برده شده، صورت گرفته است. *صوراسرافیل* در شماره‌ای از تلاش زنان لندن برای مطالبه حقوق سیاسی طبقه نسوان، یعنی امکان ورود به پارلمان و حق وزارت و وکالت داشتشان، خبر می‌دهد.^{۳۷} *ایران‌نو* بارها از آشوب‌هایی که زنان اروپا به منظور کسب حقوق سیاسی ایجاد کرده

^{۳۳} - «انجمن نسوان پترسبرگ»، جبل‌المتین کلکته، سال ۱۶، شماره ۳۲، ۱۵ صفر ۱۳۲۷، ص ۱۹.

^{۳۴} - «اخبار خارجه: زنان چین»، ایران‌نو، سال ۳، شماره ۱۴، ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹، ص ۴.

^{۳۵} - «اخبار خارجه: عثمانی. زنان عثمانی»، همانجا، سال اول، شماره ۲۰۲، ۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۸، ص ۴.

^{۳۶} - «زنان حقوق طلب انگلیسی»، همانجا، سال ۲، شماره ۴۵، ۱۱ ذیحجه ۱۳۲۸، ص ۴.

^{۳۷} - «اخبار خارجه، بنقل از شماره ۸ سال ۲ جریده شریفه ارشاد»، *صوراسرافیل*، سال اول، شماره ۲۴، ۲۴ محرم ۱۳۲۶، ص ۴ و ۵.

بودند، مطالبی آورده^{۳۸} و همین پرداختن جزئی و دقیق به این موضوع در کنار فراوانی آن، نشانگر میزان اهمیت چنین اخباری نزد مدیر روزنامه است.^{۳۹}

روزنامه‌ها به رشد سیاسی زنان اروپایی در دیگر قالب‌های آن نیز پرداخته‌اند که دستگیر شدن زنان اروپا و به زندان رفتنشان در این دوره با توجه به اغتشاشات فراوانی که ایجاد می‌کردند، در آن زمره بود. *حبل‌المتین* تهران در شماره‌ای ذیل تلگرافات خارجه، اشاره کرده که پنجاه و هفت زن اروپایی که در عرابه پنهان شده و قصد ورود به مجلس ملی را داشته‌اند، دستگیر شده و به زندان رفته‌اند.^{۴۰} این امر بر رشد سیاسی زنان اروپا دلالت داشت و اوج آن زمانی است که به گزارش *ایران‌نو*، زنان میان زندان و جریمه، حبس را برگزینند.^{۴۱}

چنانکه ملاحظه شد در این مرحله مباحثی جدی از مسائل زنان سایر ملل خصوصاً اروپا مطرح شد که پیشرفتی قابل ملاحظه نسبت به مراحل قبل به‌شمار می‌رود. ضمن آنکه طرح موضوعات مرحله قبل که تا حد زیادی برای زن ایرانی تحقق یافته بود، از سوی روزنامه‌ها رو به کاستی رفت و همین امر نشان از اشتیاق مدیران جراید در ایجاد تغییر در جایگاه زن ایرانی به واسطه طرح اخبار و مسائل زنان سایر ملل دارد.

ب) زنان ملل مختلف در آثار زنان ایرانی

از مرحله قبل، انتشار مقالاتی از زنان در روزنامه‌ها آغاز شده بود، اما در این مرحله انتشار مقالات و خطابه‌های زنان در مدارس و انجمن‌ها به‌طور جدی و گسترده مورد توجه مدیران جراید قرار گرفت. آثار زنان ایرانی در موارد زیادی نشان از تأثیرپذیری آنها از تحولات زنان سایر ملل دارد.

مهمترین بعد تأثیرپذیری زن ایرانی از زنان ملل مختلف، آموزش بوده است. آنها جهت تذکر لزوم دانش‌اندوزی خود بارها زنان ملل مختلف به‌ویژه اروپا را مثال زده‌اند. در روزنامه *مجلس* نامه زنی به چاپ رسیده که در آن ضمن اشاره به سابقه طولانی علم و دانش در میان مسلمانان، دلیل پیشرفت اروپا و پیشی گرفتن از مسلمانان را توجه آنها به آموزش زنان عنوان کرده است.^{۴۲} حتی از نظر زنی که در واکنش به مخالفت شیخ فضل‌الله نوری با آموزش زنان در *حبل‌المتین* تهران نامه‌ای دارد، اروپاییان چنان در این امر گوی سبقت از

^{۳۸} - «تلگرافات: زنان حق طلب»، ایران‌نو، سال اول، ۱۲ شعبان ۱۳۲۷، شماره ۵، ص ۴؛ همچنین همانجا، شماره ۲۷، ۷ رمضان ۱۳۲۷، ص ۴.

^{۳۹} - «خواتین حقوق طلب» همانجا، سال اول، شماره ۳۱، ۱۳ رمضان ۱۳۲۷، ص ۴؛ همچنین همانجا، شماره ۶۲، ۲۵ شوال ۱۳۲۷، ص ۴؛ همچنین، همانجا، سال اول، شماره ۶۸، ۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۷، ص ۴.

^{۴۰} - «ترجمه تلگرافات خارجه»، *حبل‌المتین* تهران، سال اول، شماره ۲۳۸، ۲۴ محرم ۱۳۲۶، ص ۴.

^{۴۱} - «تلگرافات خارجه: آژانس رویتر»، ایران‌نو، سال ۲، ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۸، شماره ۳۴، ص ۳. همچنین همانجا، شماره ۳۵، ۲۸ ذی‌قعدة ۱۳۲۸، ص ۴.

^{۴۲} - «عریضه یکی از خواتین با علم به عنوان آقای محمد مجتهد دامت برکاته»، *مجلس*، سال اول، ۱۶ شوال ۱۳۲۴، شماره ۶، ص ۳.

ایرانیان ربوده‌اند که: «...چقدر مناسب است که اشخاص سست اعتقاد بجهت استحکام عقاید مذهبی خود مدتی با اهل علم فرنگیان و یا فرنگی‌مآبان محشور شوند و از علوم آنها یاد گیرند...»^{۴۳}

زنی دیگر در نامه‌اش در *ایران‌نو*، دلیل پیشرفت عثمانی و چین را آموزش یافتن زنانشان دانسته و با این امید که توجه بیشتری به مقوله آموزش زنان شود، پیشرفت و سعادت وطن را آرزو کرده است.^{۴۴} بنابراین سعادت و پیشرفت وطن از انگیزه‌های زن ایرانی بود که می‌توانست توجهش را به تحولات آموزشی زن در جوامع اروپایی جلب کند.^{۴۵}

توجه دیگر زن ایرانی برای لزوم دانش‌اندوزی‌اش، نقش مهمی بود که مادر باسواد می‌توانست در تربیت فرزندان شایسته داشته باشد. در این مورد نیز زن ایرانی به مقایسه خود با زن اروپایی پرداخته است. به‌عنوان مثال زنی که در لزوم آموزش زنان برای سیدمحمد طباطبائی نامه نوشته، این موضوع را چنین مورد توجه قرار داده: «...زن‌های فرنگی به واسطه علم معنی هیئت اجتماعی را می‌فهمند و می‌دانند که فرزندان خود را برای چه کار آماده کنند. زن‌های مسلمان جز کینه‌ورزی با یکدیگر و تربیت کودکان به مقتضای سلیقه کج خود چیز دیگر نمی‌دانند. این است فرزندان که از پستان آن مادرها شیر خورده، مدبر عالم، و اولادی که در دامان تربیت اینها پرورده شده، پست‌ترین امم می‌شوند. تا وقتی که آموزگاران و مربیان اولیه اطفال را تربیت نکنیم، جوانان کاردان و پیران با تدبیر نخواهیم داشت...»^{۴۶}

توجه دادن به دانش‌اندوزی زنان ملل مختلف و برشمردن فوایدش، نشان از تأثیر تحولات آموزشی آنها بر زن ایرانی دارد؛ به‌طوری که در قیاس خود با آنها، تنها امتیازشان را کسب علم و دانش قلمداد کرده‌اند. در خطابه زنی در مدرسه، زن ایرانی با صراحت بیشتری مورد مقایسه با زنان اروپایی قرار می‌گیرد: «...زن‌های ایرانی تا کی کور و کر و لال باشیم؟ ... مگر ما از جنس بشر خارجیم یا آنکه خانم‌های اروپایی از حیث اعضا و جوارح مزیتی بر ما دارند؟ یا وقتیکه از مادر متولد میشوند دارای علوم با عقل کاملی هستند. پس معلوم شد مزیت آنها از حیث علم است و علم را باید تحصیل نمود و رنج کشید.»^{۴۷}

^{۴۳} «لایحه یکی از خواتین»، حبل‌المتین تهران، ج ۱، سال اول، ۲۲ رجب ۱۳۲۵، شماره ۱۰۵، صص ۲-۴.

^{۴۴} - «مکتوب یکی از خانم‌های ایرانی»، ایران‌نو، سال اول، ۱۸ رمضان ۱۳۲۷، شماره ۳۴، ص ۴.

^{۴۵} - «مدارس تهران - مدرسه مخدرات»، همانجا، سال اول، محرم ۱۳۲۸، شماره ۱۱۴، ص ۴.

^{۴۶} - «عریضه یکی از خواتین با علم به عنوان آقای آقا سیدمحمد مجتهد دامت برکاته»، مجلس، سال اول، ۱۶ اشوال ۱۳۲۴، شماره ۶، ص ۳.

^{۴۷} - «در مدرسه مخدرات»، ایران‌نو، سال اول، ۲۶ ذیحجه ۱۳۲۷، شماره ۹۴، ص ۲.

بنابراین نقطه پایان پژوهش حاضر آنجاست که اهتمام مردان به انعکاس تحولات اجتماعی زنان ملل مختلف، نتیجه داد و زن ایرانی نیز در این مورد ذهنیاتش را در آثارش در همان روزنامه‌ها ابراز نموده و درصدد ایجاد تحول در وضعیت فرهنگی‌اش برآمد.

نتیجه

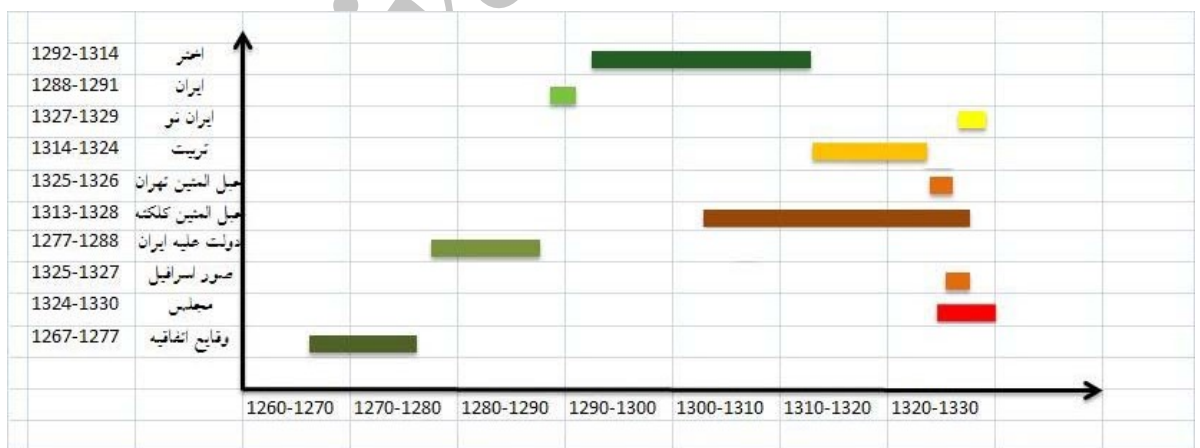
پژوهش حاضر تلاش کرد آنچه از زنان سایر ملل در روزنامه‌ها، از وقایع اتفاقیه تا برخی روزنامه‌های انتشار یافته تا پایان مشروطه دوم انعکاس یافته را طرح کرده و دیدگاه‌های مختلف پیرامون آن و تأثیرش بر حیات فکری و فرهنگی زنان ایران را در مراحل مختلف دوره زمانی پژوهش بازنمایاند. دوره زمانی این پژوهش به سه مرحله تقسیم شد؛ در مرحله اول که با روزنامه‌نگاری دولتی آغاز شد، رویکردی صرفاً توصیفی به اخبار زنان سایر ملل وجود دارد و هدف خاصی از طرح آن اخبار دنبال نمی‌شود. ضمن آنکه موضوعات مورد توجه روزنامه‌ها، تنها به ارزش‌های ظاهری زن و سنت‌های حاکم بر حیات او و جایگاهش در خانواده محدود است. البته این رویکرد در پایان دوره موردنظر تا حد زیادی تعدیل شد و اخباری فرهنگی اما باز صرفاً توصیفی انعکاس یافت.

مرحله دوم که با شکل‌گیری مطبوعات برون‌مرزی آغاز می‌شود، نه تنها نقطه عطفی در تاریخ مطبوعات، که نقطه تحولی در نحوه انعکاس مسائل زنان سایر ملل و رویکرد روزنامه‌ها بدان بود. در این دوره نه تنها اخباری با مضامین متفاوت از قبل به چاپ می‌رسید، بلکه نظراتی پیرامون آن ارائه می‌شد که در صورت مغایرت با ارزش‌های اسلامی واکنشی منفی و هرگاه ارتقای جایگاه زن خصوصاً دانش‌آموزی وی را دنبال می‌کرد، با واکنشی مثبت البته از سوی تجددگرایان روبرو می‌شد. بنابراین در این دوره اثرپذیری قابل توجهی از اخبار زنان سایر ملل در دو وجه مثبت و منفی آن دیده می‌شود. از همین دوره مقایسه زن ایرانی، خصوصاً با زن اروپایی، نقطه آغاز ایجاد پرسش و مورد تردید قرار دادن سنت‌های حاکم بر حیات زن ایرانی شد و در نهایت برای او تحولات بی‌سابقه‌ای در حیات اجتماعی و فرهنگی‌اش به ارمغان آورد.

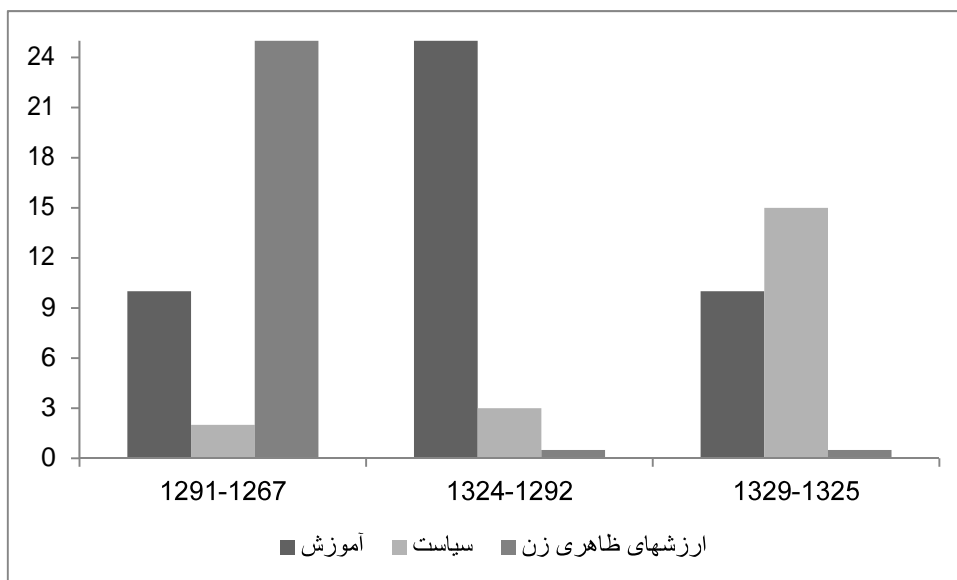
مرحله سوم که از وقوع مشروطه تا پایان مشروطه دوم را دربردارد، نقطه متفاوت دیگری از انعکاس مسائل زنان سایر ملل بود؛ چرا که در این مرحله ارزش‌هایی که از زنان سایر ملل در مرحله قبل مطرح شده بود، مقبولیت زیادی در جامعه یافته و بحث بر سر ضرورت و لزوم آن بی‌جا و غیرضروری می‌نمود. ضمن آنکه زنان سایر ملل نیز به پیشرفت‌های بیشتر و جدی‌تری دست یافته بودند. بنابراین در این مرحله طرح موضوعات مرحله قبل رو به کاستی رفت و موضوعات جدیدی چون دخالت زن اروپایی در امور سیاسی مطرح شد. در این مرحله، روزنامه‌ها بیش از پیش تحولات زنان سایر ملل را دست‌مایه مقایسه آنها و زنان ایران قرار داده و وضعیت و جایگاه زن ایرانی را به چالش کشیده‌اند که چنین رویکردی در آثار خود زنان در روزنامه‌ها نیز به چشم می‌خورد. به طور کلی انعکاس مسائل زنان سایر ملل در روزنامه‌ها در مراحلی که ذکرش رفت، به لحاظ کمیت پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشت. این پیشرفت در مورد موضوعات مورد توجه روزنامه‌ها از زنان سایر ملل نیز به چشم می‌خورد که از توجه به ارزش‌های ظاهری زن در مرحله اول به لزوم دانش‌اندوزی وی در مرحله دوم و دخالت وی در امور سیاسی در مرحله سوم ارتقا یافت. به لحاظ رویکرد روزنامه‌ها به مسائل زنان سایر ملل نیز تفاوت عمده‌ای در سه مرحله مذکور وجود دارد. در مرحله اول روزنامه‌های دولتی البته در قالب همان ارزش‌های سنتی حاکم بر حیات زن ایرانی، تنها به ذکر اخبار زنان سایر ملل پرداخته‌اند، اما در مراحل بعد روزنامه‌ها پا از دایره

اطلاع‌رسانی فراتر نهاده و آن اخبار را دستمایه ابراز نظرات خود قرار دادند و حتی به مقایسه وضعیت زن ایرانی با آنها پرداختند که نوید از تحولی ژرف در حیات فکری و فرهنگی زنان ایران می‌داد و چنین تحولی توجه به تحولات اجتماعی زنان ملل مختلف و مقایسه با آنان را اگرچه گاه نابرابر می‌نمود، به خوبی توجیه می‌کند. در نهایت ذهنیت زنان نیز چنان از تحولات اجتماعی زنان ملل مختلف تأثیر پذیرفت که از طریق ذکر آن تحولات و مقایسه خود با آن زنان درصدد ایجاد تغییراتی اساسی در حیات اجتماعی و فرهنگی خود برآمدند.

نمودار ۱) دوره زمانی انتشار روزنامه‌های مورد بررسی



نمودار ۲) موضوعات مورد توجه روزنامه‌ها از زنان ملل مختلف



فهرست منابع

۱. اختر(۱۲۹۲-۱۳۱۴ق.)، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چ اول، ۱۳۷۸، ج.۹.
۲. اطلاع(۱۲۹۸-۱۳۱۳ق.) تهیه و تنظیم: عنایت‌الله رحمانی، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، چ اول، ۱۳۸۵، ج.۴.
۳. ایران(۱۲۸۸-۱۲۹۲ق.)، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چ اول، ۱۳۷۴، ج.۲.
۴. ایران نو(۱۳۲۷-۱۳۲۹ق.)، تنظیم: عنایت‌الله رحمانی، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چ اول، ۱۳۸۵، ج.۳.
۵. تربیت(۱۳۱۴-۱۳۲۴ق.)، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چ اول، ۱۳۷۶، ج.۳.
۶. حبل‌المتین تهران(۱۳۲۵-۱۳۲۶ق.)، بازبینی: نصرالله صالحی و محمد گلبن، تهران، دانشگاه تهران، چ اول، ۱۳۸۳، ج.۲.
۷. حبل‌المتین کلکته(۱۳۱۳-۱۳۲۹ق.)، تنظیم: عنایت‌الله رحمانی، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چ اول، ۱۳۸۳، ج.۱۶.
۸. دولت علیه ایران، (۱۲۷۷-۱۲۸۷ق.)، به اهتمام جمشید کیانفر و عنایت‌الله رحمانی، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چ اول، ۱۳۷۲، ج.۲.
۹. صوراسرافیل(۱۳۲۵-۱۳۲۶ق.)، تهران، نشر تاریخ ایران، چ اول، ۱۳۶۱.
۱۰. مجلس(۱۳۲۴-۱۳۳۰ق.)، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چ اول، ۱۳۷۵، ج.۵.

Position of social evolutions of different nations women in Persian
press

(From the start of press till the end of second Constitution)

Hasan Hazrati^{۴۸}

Afsaneh Rowshan^{۴۹}

Abstract

This research is allocated to cultural and social evolutions of women in different nations, which is based on Persian press in beginning of their publication in Qajar era till the end of Second Iranian Constitution, ۲۹ Zihajjah ۱۳۲۹ A.H. The reflection of different nation issues and its qualification in this press can be divided in to three stages. The first stage is from Vaghaye' Ettefaghieh, till the publication of foreign Persian press; the second is from the publication of foreign Persian press till Constitutional revolution; and the third stage is from Constitutional revolution till the end of Second Constitution. The transition of this reflection in these three stages is the problem of this research. And the aim of concernment

^{۴۸} - - Assistant Professor of History , Tehran University

^{۴۹} - Student of Islamic Iran History of University of Tehran

of press and the impact of these issues in the life of Iranian women is also regarded in this research.

Indicative mood of women's issues which was current in the first stage evolved to the annualizing aspect later. Not only the quantity of news increased each stage but also the subjects changed essentially and more serious issues than women's are concerned. In the second and third stages, Iranian woman is compared to the other nation's women and her cultural and social is affected from them, especially from European women.

Keywords: women, social evolutions, Persian press, Iran, Islam, Europe, Qajar era, Constitution.

Archive of SID